

تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در دیرینه شناسی تولیدارح ایران باستان

ترتیب بافته می‌شود. چگونگی نقش اندازی، کشش و کیفیت آن به مهارت بافنده بستگی دارد و بافندگان ماهر می‌توانند نقوش را با هر طرح و حتی با جزئیات پیچیده تولید کنند. روش‌های گوناگون برای نقش‌اندازی بر سطح پارچه استفاده می‌شود.

در برخی از پارچه‌ها، نخ پود رنگی از سراسر عرض پارچه می‌گذرد ولی در بسیاری از پارچه‌های دیگر پود رنگی، مطابق نقشه از میان تارهای کشش (کشیدگی) بافته‌گذاشته شده و تنها قسمت‌های مشخصی از پارچه که طبق نقشه به رنگ نیاز دارند، با پود رنگی بافته می‌شوند مانند پارچه‌های بروکید، تاپستری و ... در زبان انگلیسی، پارچه زری را بروکید می‌نامند اما برای این لفظ نیز تعاریف متفاوتی گفته شده که برخی از آنها چنین تعریف شده‌اند: «بروکید، پارچه‌ای تزئینی و گران قیمت است با نقشی نمایان که اغلب از الیاف طلا و نقره بافته می‌شود.» در دایره‌المعارف دیگری نوشته‌اند: «بروکید، پارچه‌ای از ابریشم است که با طلا و نقره رنگارنگ شده و دارای گل‌ها و شاخ و برگ‌های شاخص است.»

این نوع پارچه که به وسیله گوشواره‌کشی و توسط تعدادی کارگر در بالای دستگاه بافندگی حرکت تارها را به وسیله دستان خود کنترل نموده و بالا و پایین بردن تارها را انجام می‌دادند تا بتوان تعداد پنج گل موجود در طرح را در دو

در دوره صفویه هنر- صنعت زری بافی چنان رونق گرفت که شهرت پارچه‌های ایرانی سراسر دنیا را فرا گرفت. پس از این زمان، بافت پارچه‌های زربفت که به کمک دستگاه‌های سنتی و با زحمت بسیار انجام می‌شد؛ دوباره دچار اندکی رکود شد و متأسفانه این رکود تا زمان حاضر ادامه دارد. هم اکنون شمار محدودی کارگاه در اصفهان، تهران و کاشان به همت اساتید ماهر و دلسوز زری بافی و زیر نظر وزارت میراث فرهنگی فعالیت دارند.

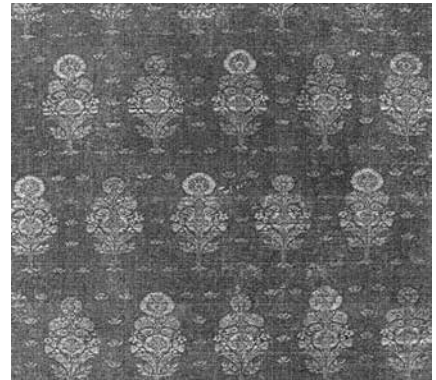
پارچه‌های بسیاری را با الیاف ابریشم می‌بافند و این نوع بافته‌ها انواع مختلفی دارد. برخی از آنها ساده و عاری از هر گونه نقش و نگار است که طبعاً بافت آن ساده‌تر می‌باشد و برخی هم نقش‌دار هستند که با توجه به نوع نقش (هندسی یا گردان) بافت آنها نیازمند مهارت است. بافت پارچه‌هایی که نقوش هندسی دارند با توجه به عدم نیاز به نقشه‌بندی، ساده‌تر از بافت نقوش گردان است لذا ارزان‌تر می‌باشند و نفاسست‌چندانی ندارند در واقع پارچه‌های گرانبه‌ای ابریشمی، پارچه‌هایی با نقوش متحرک و گردان است.

در بافت پارچه‌های ابریشمی، الیاف تار را که از ابریشم است بر دستگاه بافندگی می‌کشند و تحت کشش موردنیاز قرار می‌دهند و سپس الیاف پود را از بین آنها می‌گذرانند و متراکم می‌کنند (به وسیله دفتین) و پارچه به این

پارچه‌ای که گوید تمدن بزرگ ساسانی، ظهور یافته و تولید و صادرات آن رایج شده در دوره اسلامی به علت برخی از محرمات شرعی از جمله نفوذ بیش از حد مبانی قشری گری دینی در سراسر جامعه که تجمل، طلا و منسوجات زردوزی را برای مردان خوشایند نمی‌دانست، رو به افول نهاد تا این که در دوره صفویه به واسطه روح خاصی که بر صنعت، اقتصاد و هنر ایران به ویژه در دوره شاه عباس اول رایج شد، دوباره به اوج شکوفایی رسید به گونه‌ای که کاشان، اصفهان و برخی دیگر از شهرها به مراکز عمده این نوع پارچه تبدیل شدند. در پژوهش حاضر به نوع و شیوه تهیه پارچه زری پرداخته شده است.

تاریخ دقیقی ابداع پارچه زری به درستی مشخص نیست اما تاریخ‌دانان، زمان پیدایش آن را پیش از دوره ساسانی می‌دانند. ایران در عهد ساسانی یکی از واسطه‌های صدور ابریشم چین به دیگر نقاط دنیا بود و ایرانیان با ابریشم چین، پارچه می‌بافتند و آن را به دیگر کشورها صادر می‌نمودند؛ همین امر سبب شد که ایران در بافت پارچه‌های ارزمند ابریشمی مشهور شود.

با ظهور اسلام و دعوت انسان‌ها به ساده‌زیستی و کراهت و ممنوعیت پوشیدن البسه ابریشمی و استفاده از طلا برای مردان، بافت این پارچه‌ها کاهش یافت اما به تدریج متداول شد و سرانجام



تصویر شماره یک - نوعی پارچه بروکید

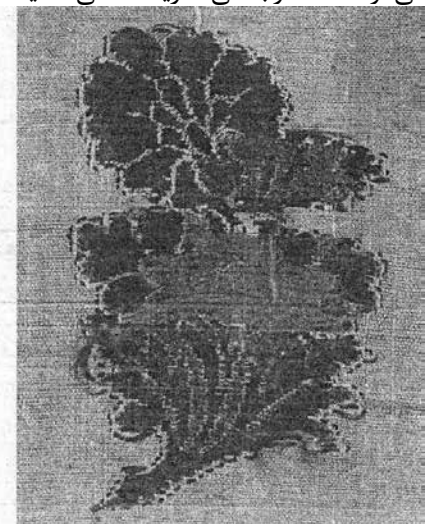
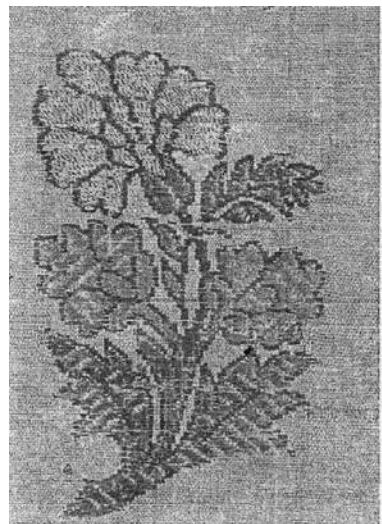
حالت جابجایی و قابل بافت نمایند که در پایین دستگاه، فقط بافنده ماهر، عمل پودگذاری و دفتین زدن را انجام می‌داد. این نوع طرح بسیار شفاف و درخشان بوده است.

در ترجمه یکی از متون نیز بروکید، چنین تعریف شده: «بروکید، نامی است که معمولاً به درجه‌ای از پارچه‌های تزئینی ارزشمند اطلاق می‌شود که با ماکو و اغلب با ابریشم‌های رنگی، الیاف طلا و نقره و یا بدون آن بافته می‌شود.» بنابر این تعریف نه بر استفاده از الیاف فلزی طلا و نقره در بافت پارچه‌های بروکید بلکه بر نقوش پارچه تأکید شده است اما در برخی منابع، این پارچه را زربفت معرفی کرده‌اند و افزون بر ابریشم، الیاف طلا و نقره (گلابتون) را نیز جزو الیاف خام به کار رفته در بروکید تلقی می‌کردند. گاه در بعضی تعاریف، حتی ماهیت

ابریشمی بروکید نیز مورد تردید قرار دارد! در این تصاویر، نقش گلی بر روی پارچه بروکید بافته شده که از بافت‌های نقش‌دار و پر زحمت است که نیاز بسیاری به مهارت در پیاده‌سازی طرح و بافت آن وجود دارد و کوچک‌ترین بی‌توجهی و یا جابجایی در نخ‌های تار و پود این نوع پارچه باعث ضایع شدن آن می‌شود.

همان‌طوری که گذشت، برای واژه بروکید نیز مانند واژه زری، تعاریف بسیاری آورده‌اند. گاه در اثر بی‌توجهی به فارسی‌سازی درست، واژه‌هایی مانند بروکید که ناشی از تعاریف نادرست آنها در فارسی است، معادل فارسی نادرست رایج می‌شود و سردرگمی‌های بسیاری به وجود می‌آید.

در ترجمه فارسی بروکید آن را پارچه‌ای زری، زربفت، زربافته و دبیت ابریشمی گلدان معرفی کرده‌اند. گاه این پرسش مطرح می‌شود که اگر بروکید به معنی زربفت است چرا در تعاریفی که از بروکید وجود دارد، عنوان شده که گاه از الیاف طلا و نقره در بافت بروکید استفاده نمی‌شود؟! یا این که اگر بروکید، زربفت است چرا در معرفی برخی از پارچه‌ها، به کار بردن طلا مورد تأکید قرار نمی‌گیرد؟ همچنین این سؤال مطرح است که اگر بروکید را پارچه زری بدانیم چرا بر کیفیت ابریشمی این بافته‌ها اشاره می‌شود در صورتی که ابریشم از مهم‌ترین الیاف



تصاویر ۲ و ۳ - پارچه بروکید

پارچه‌های زری است؟!

با تعریف درست برای پارچه‌های زری و زربفت و تفکیک آنها از هم می‌توان به راحتی بسیاری از سوالات را پاسخ داد. با تحقیق بیشتر مشخص شد که بروکید، پارچه‌ای کاملاً تزئینی و شبیه قلاب‌دوزی است زیرا طرح گل‌های آن نمایان و گاهی برجسته است و این نقوش در طی بافت بر پارچه نقش می‌بندند. لفظ بروکید اقتباسی از واژه لاتین «بروکار» به معنی ایجاد خراش یا شیئی نوک تیز است و یادآور سوزن‌دوزی... سه نمونه مذکور بسیار درخشان، جذاب و با نظم و ترتیب خاص و استادانه‌ای بافته شده‌اند و به صورت شاهکار در این فن به نمایش درآمده است. مهارت و حوصله پدید آورنده بسیار قابل اهمیت و درک چنین ابتکاراتی برای صاحب‌نظران قابل تعمق و بررسی است که روی پارچه ابریشمی پیاده شده است. الیاف پارچه بروکید، تنها ابریشم نیست و هر پارچه‌ای مانند پشم و کتان هم می‌تواند با فن بروکید تزئین شود.

واژه بروکید که عموماً برای پارچه‌های طرح‌دار ارزشمند بافته شده با ابریشم و الیاف طلا و نقره (گلابتون) برای بافت زمینه استفاده می‌کنند. در این پارچه‌ها نیز مانند تاپستری، پود رنگی گلابتون را از قسمت‌هایی که از قبل در نقشه مشخص شده‌اند، میان تارهای کشیده شده، می‌گذرانند اما برخلاف پارچه تاپستری یک پود اصلی نیز وجود دارد که از سراسر عرض پارچه از یک حاشیه تا حاشیه دیگر رد می‌شود. البته در بافت انواع پارچه‌های بروکید، الیاف پود اضافی را به صورت‌های مختلفی به کار می‌برند. گاه الیاف پود اضافی را در فاصله بین دو نقش با نسبت مشخص، به پشت پارچه منتقل می‌کنند و گاهی در برخی از این پارچه‌ها الیاف را از پشت پارچه می‌برند و در نتیجه پشت پارچه مرتب می‌شود.

برخی اوقات، بافت پیچیده‌تر می‌شود و الیاف پود اضافی را بین دو دسته تار قرار می‌دهند. گفتنی است تنها با توضیح ویژگی‌های یک

دارند و طرح زمینه پارچه با استفاده از طرح مادر (تافته) بافته شده که از تلفیق دو طرح زمینه و طرح شکل دار با مهارت و استادی طرح ریزی شده است. این نوع طرح‌ها در مقابل نور، درخشندگی خاصی دارند و روی تن در حال حرکت به صورت رقص نور در پارچه دیده می‌شود اما از بررسی تعاریف می‌توان گفت بروکید مانند پارچه زربفت نیست زیرا بروکید الزاماً الیاف طلا و نقره ندارد هر چند استفاده از الیاف طلا و نقره در این پارچه‌ها همانند پارچه‌های زری عمومیت دارد؛ در بافته‌هایی که به این لفظ نام‌گذاری می‌شوند، همیشه از الیاف طلا یا نقره استفاده نمی‌شود پس با توجه به این موضوع، در صورتی که از الیاف طلا و نقره استفاده شده باشد، تأکید بر آن ضروری است. گاهی از آنجا که اغلب پارچه‌هایی که امروزه به بروکید مشهور است، همان زربفت است، این نام بر آن مانده است و از برخی متون پارچه‌های تزئینی شده با الیاف فلزی را نیز بروکید نامیده‌اند و این نام حتی در مورد فرش‌های زربفت نیز مصداق دارد.

پارچه‌های زری گونه‌ای بروکید است اما همه پارچه‌های بروکید، زری نیستند زیرا این واژه طیف گسترده‌ای از پارچه‌ها را در بر می‌گیرد. با توجه به تعاریف بروکید، افزون بر پارچه‌های زری، پارچه‌های دیگری که نقش برجسته و مشخص داشته باشند و به طریق مشابه شوند نیز بروکید است. لفظ بروکید به تنهایی جنس پارچه را مشخص نمی‌کند پس لازم است در معرفی یک پارچه بروکید، نوع دقیق پارچه با الیاف آن نیز گفته شود.

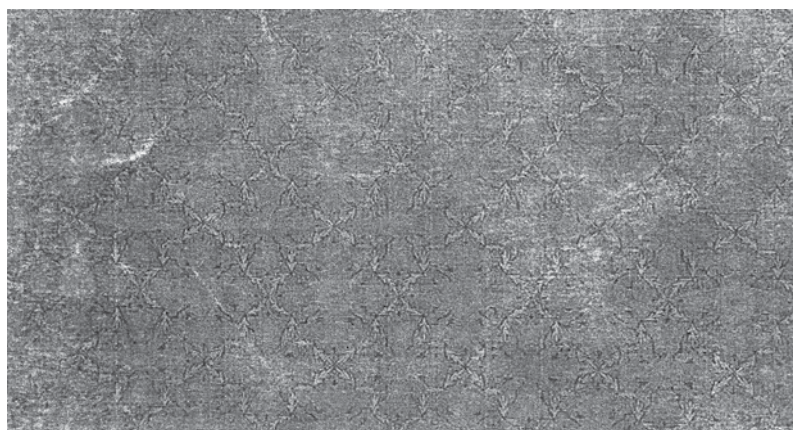
در این تصویر، یک شاهکار روی پارچه حریر از جنس ابریشم با طرح مخلوط از ساتن مشاهده می‌شود. این نوع پارچه براق، شفاف و دارای استحکام زیادی است که با تارهای ابریشم مشکی و پود مشکی با نمرات مختلف تهیه و روی دستگاه بافندگی توسط اساتید و کارگران زبردست و ماهر تهیه شده است. اغلب این نوع پارچه‌ها که جزو شاهکارهای نساجی ایران



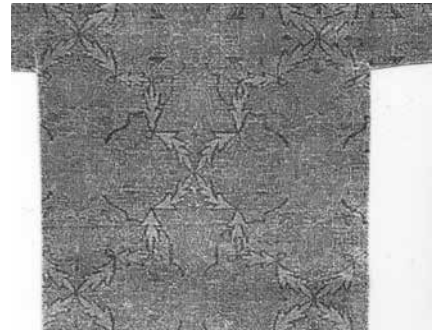
تصویر شماره ۴ - سه نمونه از طرح سوزن‌دوزی

تارها توسط دست چندین کارگر در بالای دستگاه بافندگی حرکات تارها دیده می‌شود و این نوع پارچه‌ها حالت لوزی‌های بزرگ شده و از تقاطع اضلاع لوزی ترکیب بسیار زیبایی گل و بوته نمایان است که حالت محوری

پارچه نمی‌توان به طور کامل آن را شناخت؛ همچنین از آنجایی که پارچه‌های بروکید در دیگر کشورها نیست، تصاویر به طور دقیق بازگوکننده دقیق ویژگی نیست. این پارچه به وسیله گوشواره‌کشی و حرکت



تصویر شماره ۵ - تصویر یک پارچه بروکید طلا در دوره صفویه



تصویر شماره ۶- طرحی روی پارچه حریر

هستند امروزه در موزه‌های فرانسه و روسیه نگهداری می‌شوند.

بسیاری از پارچه‌ها دارای ویژگی‌های مشابه اما نام‌های متفاوت نسبت به همدیگر هستند و به همین دلیل نمی‌توان به دقت پارچه را مورد گونه شناسی قرار داد. همچنین بررسی تخصصی این پارچه‌ها نیز مشکل و گاه غیرممکن است زیرا امروزه برخی از این پارچه‌ها در سایر موزه‌ها به نام دیگری شناخته می‌شوند. پارچه زری، پارچه‌ای است که نقوش آن در حین بافت و با دستگاه زری بافی ایجاد می‌شود و جنس آن نیز ابریشم و اغلب گلابتون است اما پارچه‌هایی که با نام نگار طراز، سقلاطون، قصب و ... خوانده می‌شوند دقیقاً جزو کدام دسته از پارچه‌ها قرار می‌گیرند و چه تفاوتی بین آنها وجود دارد؟

شاید تفاوت این پارچه‌ها در نقش طراز و بافت یا حتی الیاف باشد اما برخی از آنها را می‌توان از یک نوع یا یک گروه بزرگتر دانست. با توجه به تعریف بروکید، می‌توانیم پارچه‌های دیگر را از لحاظ نوع بافت در دسته‌ای مشابه قرار دهیم. این دسته‌بندی‌ها و قرار دادن پارچه‌ها در گروه‌های مشابه کمک می‌کند تا در پژوهش‌های بعدی، شناخت پارچه‌ها آسان‌تر باشد. پس می‌توان پارچه‌هایی که روش‌اندازی (نقش‌اندازی) آنها یکی است در یک خانواده قرار داد و به جای نام بروکید، آنها را با پارچه‌های «نقش باف» خواند؛ همچنین پارچه زری، اطلس، ترمه، مخمل یا حتی پارچه‌های مشابه که در قدیم نام دیگری داشتند؛ در این

دسته قرار می‌گیرند.

برای آن‌که ویژگی این پارچه‌ها در موزه‌ها، عکس‌ها و تصاویر به خوبی مشخص شوند، باید نوع الیاف و نام اصلی پارچه نیز ذکر شود و علت تمایز این پارچه‌ها به درستی توضیح داده شود.

پارچه زری از نفیس‌ترین پارچه‌های نقش باف ایران است که وجود یا فقدان الیاف گلابتون در آن، تأثیر زیادی در تغییر ماهیتش ندارد. تمام بافته‌هایی که الیاف زرد گلابتون دارند، «زربفت» نامیده می‌شوند. پارچه زری هم در صورت استفاده از این الیاف، زربفت نام دارند؛ البته لفظ زربفت، تنها برای پارچه‌هایی است که الیاف فلزی در بافت آنها به کار می‌رود و پارچه‌هایی که زری دوزی (رو دوزی زر) را در برنمی‌گیرد و می‌توان واژه زربفت را به تمام بافته‌های دارای لیاف طلا و نقره، نسبت داد اما زری، تنها گونه پارچه ابریشمی است که با دستگاه زری‌بافی و برش مخصوص بافت تهیه می‌شود و می‌توان از الیاف گلابتون نیز در پود آن استفاده کرد.

پارچه‌های زری، چه زر داشته باشند و چه زر در آنها به کار نرفته باشد؛ ارزشمند هستند و نباید ارزش این پارچه را تنها به الیاف زر آن محدود کرد. زری‌بافان در طول قرن‌ها بافندگی، گاه با ایجاد تغییرات اندک در شیوه بافت و با توجه به اقتضای زمان و نیازهای جامعه خویش، ابداعاتی در دستگاه زری‌بافی و میزان نخ گلابتون به کار رفته به عمل می‌آورند؛ برای مثال زری لب‌باف و پشت کلاف را به وجود آوردند که شیوه بافت آن اندکی متفاوت است

و شباهت به پارچه گلدوزی شده دارد.

در این تصویر نمونه پارچه حریر ابریشمی دیده می‌شود که با روش ابتکاری مبادرت به گلدوزی شده و بسیار شفاف و درخشان است و در نهایت مهارت، رودوزی شده و ارزش ابریشم‌دوزی را چندین برابر افزایش داده است که خود شاهکار پارچه‌بافی قدیم است. بافنده گاهی میزان نخ گلابتون به کار رفته در پارچه زری را کم یا زیاد می‌کرد اما این تغییرات هیچ‌گاه بر اصل و ماهیت پارچه‌های زری، لطمه‌ای وارد نکرد و حالت آنها را به پارچه دیگر مبدل ننمود.

حذف کامل گلابتون از پارچه‌های زری نیز گهگاه با توجه به نیاز جامعه صورت می‌گرفت. شاید از ارزش مادی برخی از این پارچه‌ها تا حدودی کاست اما ارزش معنوی و نفاست آن هرگز کم نخواهد شد و نباید بافنده چین پارچه‌هایی را متهم به ایجاد تغییر در اصل پارچه کرد و کار وی را جزو پارچه‌های زری به شمار نیاورد. در هند نیز لفظ زری شناخته شده است با این تفاوت که کاربرد دیگر دارد. در واقع زری در هند همان ریسمان طلا و نقره است که در پارچه‌های هندی به کار می‌رود و به دو شیوه تولید می‌شوند.



تصویر شماره ۸- دو نمونه پارچه ابریشمی



تصویر شماره ۷- پارچه حریر ابریشمی